

# جشنواره فیلم فجر

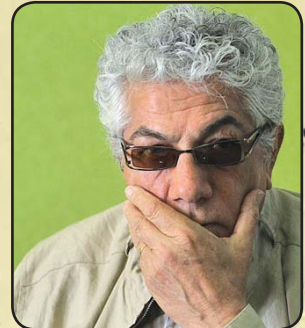


## تجلیل از هنرمندان در سه‌امین جشنواره فیلم فجر

طبق روال چند سال اخیر در جشنواره فیلم فجر، از چند فیلمساز و سینماگر مطرح کشور، تجلیل به عمل می‌آید. خوشبختانه این اتفاق فرخنده، می‌رود تبدیل به یک سنت خوب و پسندیده در جشنواره فیلم فجر شود. البته هر ساله وقتی اسامی آدم‌هایی که قرار است مورد تجلیل قرار بگیرند، مطرح می‌شود، حرف و حدیث‌هایی بر سر زبان‌ها می‌افتد. سال گذشته در جمع تجلیل‌شدگان شادروان «محمد رضا اعلامی» و زنده‌یاد «منوچهر حقانی‌پرست» در قید حیات نبودند، اما امسال خوشبختانه همه هنرمندانی که قرار است مورد تجلیل قرار بگیرند زنده‌اند.

سال گذشته یک زنی فیلمساز (پوران درخشنده) در جمع تجلیل‌شدگان حضور داشت و امسال هیچ زنی در لیست قرار ندارد. آیا واقعاً حضور زنان هنرمند در عرصه سینمای ما جدی نیست؟ علیرضا زرین‌دست، داوود رشیدی، محمد رضا بزرگ‌نیا، حسین زندباف و جمال شورجه هنرمندانی هستند که در سی‌امین جشنواره فیلم فجر، از آنان تجلیل خواهد شد.

### علیرضا زرین‌دست



علیرضا زرین‌دست در سال ۱۳۲۴ در تبریز متولد شد و پس از گذراندن سال دوم ابتدایی به تهران آمد. ورود او به سینما به اتفاق امیرنادر است. او به کمک برادرش محمد زرین‌دست، که در اواخر دهه ۱۳۴۰ از آمریکا به ایران آمد و سودای فیلم‌سازی در سر داشت وارد سینما شد.

نادری با وساطت علیرضا زرین‌دست به عنوان عکاس فیلم «وسوسه شیطان» (محمد زرین‌دست، ۱۳۳۷) مشغول به کار شد و علیرضا زرین‌دست به عنوان دستیار فیلمبردار هر دو به دنبال هدف دیگری بودند. وقتی نادری فیلم‌نامه «خدا حافظ رفیق» را نوشت زرین‌دست فیلم شکوه قهرمان (۱۳۴۸) را برای برادرش فیلمبرداری کرد. بخت با زرین‌دست یارتر بود.

در فاصله‌ای که نادری در تقلا یافتن تهیه‌کننده بود، علیرضا زرین‌دست فیلم‌های از یادرفته (۱۳۴۹) و فاتحین صحرا (۱۳۵۰) را برای برادرش و وحشی جنگلی (۱۳۵۰) را برای «روبرت اکهارت» فیلمبرداری کرد. در چنین وضعی نادری و زرین‌دست، که دست و بال‌شان از حیث مالی بسته بود، تصمیم داشتند برای فیلمبرداری خدا حافظ رفیق (۱۳۵۰) از سبک و سیاق تازه‌ای استفاده کنند.

خدا حافظ رفیق از نخستین فیلم‌های موسوم به «خیابانی» بود و آن‌ها با اتکا به شیوه فیلمبرداری خبری آن را ساختند و به خلاف فیلم‌های سنتی معمولی حدود ۸۰ دقیقه از آن را روی دست فیلمبرداری کردند. زرین‌دست در فیلم‌های رشید (پرویز نوری، ۱۳۵۰) خواستگار (علی حاتمی، ۱۳۵۱) خورشید در مرداب (محمد صفار، ۱۳۵۲) و سازدهنی (امیر نادری، ۱۳۵۲) هنوز قائل به این نیست که فیلمبردار نقش اساسی در ارکان فیلم دارد و اهمیت آن را صرفاً در ضبط وقایع می‌داند.

علیرضا زرین‌دست در فیلم‌های مسلخ (هادی صابر، ۱۳۵۵) شاه‌رگ (علیرضا داوندزاد، ۱۳۵۴) سزابدار (خسرو هریث‌نات، ۱۳۵۴) و پشمالو (مهدی فخیم‌زاده، ۱۳۵۵) هنوز سبک و سیاق خاصی در فیلمبرداری ندارد؛ اگر چه استعداد او در این فیلم‌ها به عنوان فیلمبردار حرفه‌ای مشهود است.

مجموعه تلویزیونی «دایی‌جان ناپلئون» (ناصر تقوایی، ۱۳۵۴) برای او تجربه کم‌نظیری است که در ۳۰ سالگی کسب کرد. حدود ۴۰۰ هزار فوت نگاتیو فیلم رنگی گرفت و با استفاده از دانش تقوایی روان‌شناسی رنگ‌ها و «کنتراست» و تأثیر آن‌ها را در ساختار فیلم آموذ.

گزارش (عباس کیارستمی، ۱۳۵۶) نخستین تجربه او در استفاده از نگاتیو «کدک» و کار با روش فیلمبرداری با نور کم و محدود است. همین تجربه را در «در امتداد شب» هم تکرار کرد و از «سایه‌های بلند باد» (بهمن فرمان‌آرا ۱۳۵۷) شیفتگی تکرار شونده خود را به هجوم نور به سیاهی با نور نشان داد.

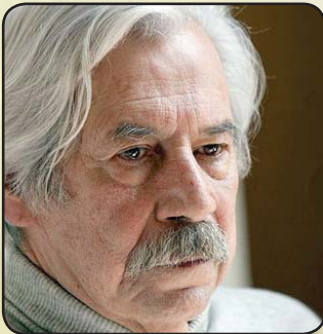
در همین سال در سفری به آمریکا فیلم «گره‌ای در قفس (محمد زرین‌دست، ۱۳۵۷) را به تعبیر خودش تحت تأثیر فضای فیلم‌های

«جوزف لوزی» فیلمبرداری کرد. زرین‌دست در بازجویی یک جنایت (محمد علی سجادی، ۱۳۶۳) نقطه ضعف (محمد رضا اعلامی، ۱۳۶۲) و تصویر آخر (مهدی صباغ‌زاده، ۱۳۶۵) از قابلیت‌های نورپردازی در فیلم رنگی استفاده بیشتری کرده است.

در طلسم (داریوش فرهنگ، ۱۳۶۵) منطبق با ساختمان فیلم از نورپردازی کلاسیک و اکسپرسیونیستی بهره برده و در خارج از محدوده (رخشان بنی‌اعتماد، ۱۳۶۷) فیلمبرداری و حرکات روان دوربین از امتیازهای فیلم است. زرین‌دست، به خلاف گزارش، تجربه و همسرایان، که با عباس کیارستمی کار کرد، در کلوزآپ (۱۳۶۹) از همه حساسیت‌های خود گذشت با زرین‌دست نباشد و فیلمی متعلق به کیارستمی ارائه بدهد. او با فیلمبرداری سیاه و سفید آبادانی‌ها (کیانوش عباری، ۱۳۷۱) بازگشتی به فیلم‌های نیمه اول دهه ۱۳۵۰ داشت؛ اگرچه به دلیل ضعف امکانات فنی و چاپ و لابراتوار نتوانست به شفافیت فیلم‌های سیاه و سفید دهه ۱۳۵۰ برسد. زرین‌دست در پری (داریوش مهرجویی، ۱۳۷۴) و بازمانده (سیف‌الله داد، ۱۳۷۴) ساختمان بصری فیلم را از فیلم‌نامه و حسی که القا می‌کنند کسب کرد و در «دشمن» (عباس بابویی، ۱۳۷۴) «نابخشوده» (ایرج قادری، ۱۳۷۵) «سفر شبانه» (خسرو معصومی، ۱۳۷۶) «فریاد» (مسعود کیمیایی، ۱۳۷۷) «بلوغ» (مسعود جعفری جوزانی، ۱۳۷۷) و «چشم‌هایش» (فرامرز قریبیان، ۱۳۷۸) فیلمبرداری‌اش هم سطح و اندازه خود فیلم‌ها است.

این هنرمند برجسته سینما تاکنون در بیش از ۶۰ فیلم به عنوان مدیر فیلمبرداری حضور داشته است. در میان انبوه فیلم‌های او می‌توان به اینها اشاره کرد: تلفن همراه رئیس جمهور (۱۳۹۰)، ملکه (۱۳۹۰)، یکی از ما دو نفر (۱۳۸۹)، کرشمه (۱۳۸۸)، بیداری (۱۳۸۷)، پسر آدم، دختر حوا (۱۳۸۷)، خاطره (۱۳۸۷)، سوپرستار (۱۳۷۸)، موج سوم (۱۳۸۷)، بی‌بولی (۱۳۸۶)، تسویه حساب (۱۳۸۶)، فرزند خاک (۱۳۸۶)، مجنون لیلی (۱۳۸۶)، آتش بس (۱۳۸۴)، حکم (۱۳۸۴) ... بدون شک بزرگداشت زرین‌دست در سی‌امین جشنواره فیلم فجر، یکی از باشکوه‌ترین بزرگداشت‌های امسال خواهد بود چرا که این هنرمند بزرگ عرصه سینما، خدمات فراوانی به سینمای ایران ارایه داده و می‌دهد.

### داوود رشیدی



داوود رشیدی حائری بیست‌پنجم تیرماه سال ۱۳۱۲ در تهران متولد شد. او تحصیلات متوسطه را (به دلیل فعالیت‌های دیپلماتیک پدرش) در ترکیه و پاریس به پایان رساند و تحصیلات دانشگاهی را در ژنو ادامه داد.

(فارغ‌التحصیل کنسرواتر ژنو در رشته کارگردانی و بازیگری تئاتر و لیسانس حقوق سیاسی از دانشگاه ژنو). در سال ۱۳۴۳ به تهران آمد و در اداره تئاتر آن

زمان وابسته به وزارت فرهنگ و هنر استخدام شد. سپس گروه تئاتر «امروز» را پایه‌گذاری نمود، که هنرپیشگانی مانند: پرویز فنی‌زاده، داریوش فرهنگ، مهدی هاشمی، فهیمه راستکار، سیبوش طهمورث، مرضیه برومند، سوسن تسلیمی، به عضویت در این گروه درآمدند. در سال ۱۳۵۲ از اداره تئاتر به تلویزیون ملی ایران رفت و در سمت مدیریت گروه نمایشات و سرگرمی‌های آن سازمان (شامل: سریال‌ها، مسابقات، تئاترهای تلویزیونی) مشغول به کار گردید. رشیدی از سال ۱۳۵۰ با فیلم‌سینمایی «فرار از تله» وارد عرصه بازیگری سینما گردید و علاوه بر بازیگری و